

واکاوی گفتمان‌های پزشکی مبتنی بر شواهد و طب سنتی ایرانی با رویکرد فوکویی: راهکاری برای تعامل و گفتگوی انتقادی در نظام سلامت

سیاوش مرادی

چکیده

چارچوب تحلیلی میشل فوکو با تمرکز بر بستر تاریخی دانش و کارکردهای اجتماعی-سیاسی نهاد پزشکی، زمینه را برای نقد ساختارهای حاکم بر سلامت و درمان فراهم می‌سازد. پزشکی مبتنی بر شواهد به عنوان گفتمان مسلط معاصر، با تأکید بر روش‌شناسی اثبات‌گرایانه و مدل زیست‌شناختی، دانش و قدرت را در نظام سلامت شکل می‌دهد و طب سنتی ایرانی را در موقعیتی حاشیه‌ای قرار می‌دهد. در مقابل، طب سنتی ایرانی با نگرش کل‌نگر، توجه به تفاوت‌های فردی، و ارتباط با فلسفه و عرفان، گفتمانی متفاوت با قواعد و رویکرد خاص خود است. تحلیل فوکویی نشان می‌دهد که این دو گفتمان نه صرفاً تقابل علم و سنت، بلکه شبکه‌ای پیچیده از روابط قدرت/دانش هستند که در بستر تاریخی و اجتماعی شکل گرفته‌اند. راهکار پیشنهادی مقاله، شناخت تفاوت‌ها و ایجاد فضای گفتگوی انتقادی میان این دو گفتمان برای رسیدن به تعامل سازنده است. این رویکرد می‌تواند فهم عمیق‌تری از سازوکارهای قدرت و مقاومت در حوزه پزشکی معاصر فراهم آورد.

کلمات کلیدی: پزشکی مبتنی بر شواهد، طب سنتی ایرانی، تحلیل گفتمانی، رویکرد فوکویی

مقدمه

روش‌شناسی فوکو بر اصولی چون واژگونی و گسست استوار است (۳). اصل واژگونی به معنای آن است که آنچه انسان ممکن است در فرض مفهوم مخالف در ذهن خود احیا کند، در جستجوی آن است که سبک گفتمان حاکم را کالبدشکافی و ساحت نااندیشیده آن را بررسی کند. از سوی دیگر، اصل گسست در مطالعه انگاره‌های دانایی به کار می‌رود و در روش تبارشناسانه به کشف روندهای تاریخی-اجتماعی مغفول می‌پردازد (۳).

پزشکی مبتنی بر شواهد به مثابه یک گفتمان

پزشکی مبتنی بر شواهد، که به طور کلی به معنای «استفاده آگاهانه، صریح و خردمندانه از بهترین شواهد فعلی در تصمیم‌گیری در مورد مراقبت از هر بیمار» تعریف می‌شود، به مثابه یک گفتمان مسلط در عرصه پزشکی معاصر عمل می‌کند (۴). این گفتمان با ایجاد سلسله‌مراتبی از شواهد، نوعی رژیم حقیقت را برقرار می‌کند که در آن، برخی روش‌های تولید دانش مانند مرورهای نظام مند و فراتحلیل و نیز کارآزمایی‌های بالینی تصادفی در رأس هرم قرار می‌گیرند و برخی دیگر مانند نقطه نظر خبرگان یا در کف هرم قرار می‌گیرند و یا مانند سنت‌های طبی کهن به حاشیه رانده می‌شوند (۵).

از منظر فوکویی، پزشکی مبتنی بر شواهد را می‌توان به عنوان یک نظام قدرت/دانش تحلیل کرد که در آن، دانش علمی و آماری با قدرت نهادهای پزشکی، صنایع دارویی، سیاست‌های بهداشتی و نظام‌های بیمه‌ای پیوند خورده است. این گفتمان با تعیین مرزهای امر معتبر و نامعتبر، علمی و غیرعلمی و موثر و ناموثر، به تنظیم و کنترل بدن‌ها، تعریف بیماری و سلامت، و تجویز درمان‌های مجاز می‌پردازد (۲).

طب سنتی ایرانی به مثابه یک گفتمان

طب سنتی ایرانی را می‌توان به مثابه یک نظام گفتمانی تحلیل کرد که ریشه در سنت‌های کهن پزشکی ایران، فلسفه

امروزه شاهد چالش‌های گفتمانی عمیقی میان پارادایم‌های مختلف پزشکی در نظام سلامت ایران هستیم. دیالوگ بین پزشکی مبتنی بر شواهد به عنوان الگوواره غالب و طب سنتی ایرانی در نقش الگوواره ای که در سال‌های اخیر سعی در بازیابی جایگاه خود دارد به وضوح این تقابل گفتمانی را نشان می‌دهد (۱). تحلیل این تقابل صرفاً از منظر «علمی/ شبه علمی» یا «مدرن/سنتی» نمی‌تواند پیچیدگی‌های این رابطه را به درستی منعکس کند.

رویگرد میشل فوکو به تحلیل گفتمان، چارچوبی قدرتمند برای فهم روابط پیچیده قدرت/دانش، سازوکارهای مشروعیت‌بخشی و شیوه‌های طرد و حاشیه‌رانی در حوزه پزشکی فراهم می‌آورد. در نگاه فوکویی، پزشکی مبتنی بر شواهد و طب سنتی ایرانی، هر دو به مثابه رژیم‌های حقیقت عمل می‌کنند که واقعیت را به شیوه‌های خاص خود تفسیر و بازنمایی می‌کنند. (۲)

چارچوب نظری فوکو در تحلیل گفتمان پزشکی

میشل فوکو به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین متفکران پسا‌ساختارگرا، رویکردی نوین در تحلیل گفتمان ارائه کرده است که امروزه در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی کاربردی گسترده یافته است (۲ و ۳). فوکو گفتمان را نقطه تلاقی و محل گردهمایی قدرت و دانش می‌داند و معتقد است هر رشته خاص از دانش در هر دوره تاریخی مشخص، مجموعه‌ای از قواعد و قانون‌های ایجابی و سلبی دارد که معین می‌کند درباره چه چیزهایی می‌توان بحث کرد و وارد چه بحث‌هایی نمی‌توان شد. فوکو معتقد است که گفتمان‌ها هم ابزار قدرت و هم نتیجه آن هستند. هر گفتمانی که در جامعه پذیرفته می‌شود، به عنوان حقیقت تلقی شده و از طریق نهادهای آموزشی، سیاسی یا فرهنگی به دیگری تحمیل می‌شود (۲).

زیست‌سیاست و حکمرانی بدن

از منظر فوکو، پزشکی یکی از مهم‌ترین ابزارهای زیست‌سیاست و حکمرانی بر جمعیت‌ها و بدن‌هاست. پزشکی مبتنی بر شواهد، بدن را به مثابه ابژه‌ای فنی و مکانیکی مورد مطالعه و مداخله قرار می‌دهد. در این رویکرد، بدن به اجزا و سیستم‌های مختلف تقسیم می‌شود و هر جزء به صورت مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرد (۵).

در مقابل، طب سنتی ایرانی با تأکید بر اصلاح سبک زندگی، رعایت اصول شش‌گانه ضروری (سته ضروریه) و مشارکت فعال بیمار در فرآیند درمان، نوعی فناوری خود را ترویج می‌کند که در آن، بیمار به مثابه سوژه‌ای فعال در حفظ سلامت و درمان بیماری خود مشارکت می‌کند (۷).

نتیجه‌گیری

تحلیل گفتمانی انتقادی پزشکی مبتنی بر شواهد و طب سنتی ایرانی با رهیافت میشل فوکو، امکان فهم عمیق‌تری از روابط قدرت، سازوکارهای طرد و حاشیه‌رانی و استراتژی‌های مقاومت در میدان پزشکی معاصر را فراهم می‌آورد. این تحلیل نشان می‌دهد که رابطه میان این دو گفتمان، نه یک تقابل ساده میان «علم» و «سنت»، بلکه شبکه‌ای پیچیده از روابط قدرت/دانش است که در بستر تاریخی، اجتماعی و سیاسی خاصی شکل گرفته است. به نظر می‌رسد راه برون‌رفت از این تقابل، نه یکی دانستن این دو گفتمان و نه حذف یکی به نفع دیگری، بلکه به رسمیت شناختن تفاوت‌های بنیادین آنها و تلاش برای ایجاد فضای گفتگو و تعامل انتقادی میان آنهاست.

پیشنهاد

پیشنهاد می‌شود مجله علمی پژوهشی طب و تزکیه، به

اسلامی-ایرانی و تجربیات تاریخی دارد. این الگوواره پزشکی با مفاهیم خاص خود مانند مزاج و اخلاط و نیز با اعتقاد به نیروی طبیعت به عنوان قوه مدبره بدن و نگرش کل نگر خود به انسان و توجه به تفاوت‌های فردی در ابتلا به بیماری‌ها و درمان مورد نیاز، رژیم حقیقت متفاوتی را برقرار می‌کند که با گفتمان پزشکی مبتنی بر شواهد متفاوت است (۶).

یکی از ویژگی‌های مهم گفتمان طب سنتی ایرانی، ارتباط نزدیک آن با فلسفه، عرفان و آموزه‌های دینی است. این پیوند نوعی کلیت‌نگری را به این گفتمان بخشیده که در آن، سلامت و بیماری در ارتباط با کلیت وجود انسان و نسبت او با جهان هستی تعریف می‌شود (۶).

روابط قدرت میان دو گفتمان

تحلیل رابطه میان پزشکی مبتنی بر شواهد و طب سنتی ایرانی از منظر فوکویی، مستلزم بررسی روابط قدرت، سازوکارهای طرد متقابل و استراتژی‌های مقاومت میان این دو گفتمان است. در نظام گفتمانی معاصر، پزشکی مبتنی بر شواهد از جایگاه برتری در سلسله‌مراتب اعتبار و مشروعیت برخوردار است. این برتری که محصول پیوند گفتمان علم مدرن با نهادهای قدرت است، موجب شده تا طب سنتی ایرانی در موقعیتی فرودست و حاشیه‌ای قرار گیرد (۲).

از نظر معرفت‌شناختی، پزشکی مبتنی بر شواهد با تکیه بر روش‌شناسی اثبات‌گرایانه، رویکردی تقلیل‌گرایانه و جزءنگر به بدن انسان دارد و بر اساس مدل‌های زیست‌شناختی علی-معلولی، به تبیین بیماری‌ها می‌پردازد. در مقابل، طب سنتی ایرانی با رویکردی کل‌نگر، به پیچیدگی روابط میان اجزای بدن، تأثیر عوامل محیطی، روحی و معنوی، و اهمیت فردیت در سلامت و بیماری تأکید دارد (۷).

واکاوی گفتمان‌های پزشکی مبتنی بر شواهد ...

روابط قدرت/ دانش در میدان پزشکی ایران و گفتگوی سازنده
میان گفتمان‌های مختلف پزشکی فراهم شود.

عنوان یکی از معتبرترین نشریات علمی کشور در زمینه آموزش
علوم پزشکی، بخشی را به تحلیل‌های گفتمانی انتقادی در نظام
سلامت اختصاص دهد تا از این طریق، زمینه برای فهم عمیق‌تر



1. Moradi S, Hosseini A. Iranian Traditional Medicine and Evidence-based Medicine: An overview of dialogue between two paradigms. *BMJ Open*. 2017; 8:7.
2. Bhattarai, P. Discourse, Power and Truth: Foucauldian Perspective. *International Journal of English Literature and Social Sciences*. 2020; 5(5): 1427-1430.
3. Graham, L.J. Discourse analysis and the critical use of Foucault. *Australian Association for Research in Education 2005 Annual Conference*. Sydney. 2005: 27th November - 1st December.
4. Sackett DL, Rosenberg WM, Gray JA, Haynes RB, Richardson WS. Evidence- based medicine: what it is and what it isn't. *BMJ*. 1996;13; 312(7023):71-2.
5. Greenhalgh T, Howick J, Maskrey N; Evidence Based Medicine Renaissance Group. Evidence based medicine: a movement in crisis? *BMJ*. 2014; 348:g3725.
6. Mohammadian Erdi A, Nasimi Doošt Azgomi R, Behzad Wakilabad F. The Fundamental Differences between Iranian Traditional Medicine and Popular Medicine. *Complementary Medicine Journal*. 2022; 12(3):214-219. [Persian]
7. Bigdeli S., Kordafshari G., Soltani Arabshahi S.K., Shams Ardakani M.R., Mohammadi Kenari H.. Evidence-based Iranian traditional medicine schemes and threats. *Educ Strategy Med Sci* 2013; 6 (1) :17-23



Discourse Analysis of Evidence-Based Medicine and Iranian Traditional Medicine with a Foucauldian Approach: A Strategy for Interaction and Critical Dialogue in the Health System

Siavash Moradi

Abstract

Michel Foucault's analytical framework, focusing on the historical context of knowledge and the socio-political functions of the medical institution, provides the basis for critiquing the structures governing health and treatment. Evidence-based medicine, as a dominant contemporary discourse, emphasizes positivist methodology and the biological model, shapes knowledge and power in the health system and places Iranian traditional medicine in a marginal position. In contrast, Iranian traditional medicine, with its holistic approach, attention to individual differences, and connection to philosophy and mysticism, is a different discourse with its own rules and approach. Foucault's analysis shows that these two discourses are not simply a confrontation between science and tradition, but rather a complex network of power/knowledge relations that have been formed in a historical and social context. The proposed strategy of the article is to recognize the differences and create a space for critical dialogue between these two discourses to achieve constructive interaction. This approach can provide a deeper understanding of the mechanisms of power and resistance in the field of contemporary medicine.

Keywords: Evidence-based medicine, Iranian traditional medicine, discourse analysis, Foucauldian approach